

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زهره مهرجو
۱۰ اکتوبر ۲۰۱۹



« چشم انداز سبز »

زمستان بود
و در آن غروب سرد...
نسیم آمد و
آرام بر شانه هایش نشست.
مسافر راهی دراز
خسته بود نسیم،
پیام آور کیوتران دور دست...
کیوتران امید بود، نسیم.
ناگه سکوت
همه جا را فرا گرفت...
کوهها، درختان، پرنده ها
گوئی همه چیز...
سراپا گوش به زنگ کلام او گشتند،
و در سرخی هوا
گرفتار ببحر آن لحظه ها
سخن، به درازا کشید.
دمی از نیمه شب بگذشته

دریا...
متفکرانه ابروان در هم کشید
قد برافراشت
موج در موج .. بجوشید و
زمین را نقب زد...
تا سرانجام .. ز بیابانی دور سربرآورد
در آنجا، چشمه گشت.
* * *

زان پس، می خروشد مدام...
بیگانه با خموشی ست
گوئی؛ قلب زندگی ست...
سپیده دمان
پرنده ها از بلندا
به کنارش فرود می آیند،
از آب زلالش می نوشند
و در خلوت روشن
اسرار خویش با او در میان می نهند...
آنگاه، امیدوار تر
به سوی آسمان اوج می گیرند
رہسپارِ سفرهای پرماجرایی خویش...!
و چشمه
به سان مرواریدی در اقیانوس
صیقل می خورد،
موج می زند...
زیباتر می شود.
شب مدام از جداره هایش
پس می رود،
در جدال با او
تاب مقاومتش سلب می شود...
از هر سو
حقیر و ... حقیرتر می شود.
* * *

پرندگان
پرواز کنان از فرازها

به او چشم می دوزند...
آنها خوب می دانند
که روزی همه جا سبز خواهد شد؛
روزی که در آن
اثری ز رکود ..نیست!